

مطالعه وفاق اجتماعی عام در جوامع شهری، روستایی و عشایری ایلام

اسداله نقدی^۱ خلیل کمربگی^۲

(تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۱۸، تاریخ تصویب: ۸۹/۸/۱۹)

چکیده

کشورها - اعم از جهان سوم یا توسعه یافته - از گذشته تاکنون با مسئله وفاق روبه‌رو بوده‌اند. وفاق اجتماعی می‌تواند به کاهش انحراف از قواعد اجتماعی، کاهش فساد سیاسی، اخلاقی و اداری، جلوگیری از رواج پدیده موسوم به پارتی‌بازی، خویشاوندگرایی و در کل کاهش شکاف بین اخلاق نظری و عملی و کاستن از چند پارگی و افزایش انسجام اجتماعی یاری رساند. از آن‌جا که ایران در حال طی کردن فرآیند توسعه است و ایلام نیز یکی از استان‌های کمتر توسعه یافته با مسایل اجتماعی خاص می‌باشد، مطالعه پدیده وفاق می‌تواند کمک مؤثری برای برنامه‌ریزی توسعه پایدار باشد. چهارچوب نظری این مقاله براساس نظریات دورکیم و پارسونز به‌عنوان معماران نظریه وفاق اجتماعی استوار است. روش تحقیق پیمایش با استفاده از پرسش‌نامه بوده است. حجم نمونه ۷۷۸ نفر (۳۸۰ نفر شهری، ۳۶۳ نفر روستایی و ۳۵ نفر از جامعه عشایری) می‌باشد. نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد، میزان وفاق اجتماعی عام در میان کل پاسخ‌گویان در حد متوسط بوده است. نتایج آزمون اف نشان داد که تفاوت معنی‌داری از لحاظ میزان وفاق اجتماعی بین این سه جامعه وجود دارد. میانگین وفاق اجتماعی عام در جامعه شهری بالاتر از دو جامعه دیگر بوده است. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره رابطه معنی‌دار بین متغیرهای مشارکت اجتماعی، تقدیرگرایی، قشر اجتماعی و تحصیلات با وفاق اجتماعی و متغیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی با وفاق را نشان می‌دهد. کلیه متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیونی ۰/۴۱ از تغییرات واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند که بیشترین سهم، متعلق به مشارکت اجتماعی و کمترین سهم مربوط به قشر اجتماعی بوده است.

واژگان کلیدی: وفاق اجتماعی عام، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

بیان مسئله و ضرورت آن

وفاق اجتماعی^۳ از جمله موضوعاتی است که در فرآیند توسعه، از اهمیت بسزایی برخوردار است. وفاق، راه‌های دستیابی به آن، موانع تحقق آن، عوامل فرسایش و نیز پیامدهایش، از دیرباز ذهن صاحبان اندیشه اجتماعی را به خود معطوف کرده است. جامعه‌شناسانی هم‌چون اوگوست کنت، تونیس، دورکیم، زیمل، پارتو، وبر، پارسونز، کوزر و دیگران در آثار خود درباره ابعاد مختلف مفهوم وفاق اجتماعی به بحث پرداخته‌اند. وفاق اجتماعی «اشتراک داوطلبانه قواعد اجتماعی مبتنی بر پیوستگی عاطفی، توافق بر سر بعضی ارزش‌ها و آرمان‌های هنجاری اساسی مشترک، توافق بر سر راه‌های مشترک؛ دیدن، احساس کردن، عمل کردن و ارتباط داشتن، نظم نمادی یا اجتماع ارتباطی و...» است (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۵۲). وفاق مانند یک میدان تعامل عمل

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا / Naghdi@basu.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی / kkamarbeigi@gmail.com

^۳ Social consensus

می‌کند: وفاق اشتراک جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی است که در یک میدان تعاملی اجتماعی^۴ - که خود موجد انرژی عاطفی^۵ است - به وجود می‌آید. مکان و محل زندگی افراد در واقع یکی از همین میدان‌های تعامل است: مکان و محل زندگی افراد از توانایی هویت‌سازی بالایی برخوردار است و می‌تواند نوع خاصی از وفاق را در بین اعضای محل پدید آورد که با میزان و نوع وفاق در محل و مکان دیگر متفاوت است. در نتیجه با توجه به نوع جامعه، با درجات مختلفی از وفاق روبه‌رو خواهیم بود (همان).

وفاق در زمان‌های مختلف، شرایط بحران یا در دوره شکوفایی و رشد، قابلیت همکاری شهروندان را افزایش می‌دهد و از این طریق در شکل بخشیدن به عملکردهای مثبت ایفای نقش می‌کند. در مسیر توسعه، وفاق اجتماعی می‌تواند منجر به افزایش محتوای مشارکت مردم در نهادهای اجتماعی شود و راه را برای اصلاحات اجتماعی در جامعه همواره کند و از احتمال مخاصمات داخلی بکاهد. لذا با توجه به تأثیر وفاق اجتماعی در توسعه جوامع و این‌که وفاق، پایه و اساس هر نوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جامعه محسوب می‌گردد، شناختن آن می‌تواند کمک شایانی برای امر توسعه باشد. اطلاع و آگاهی از میزان وفاق اجتماعی در بین اعضای جوامع مختلف شهری، روستایی و عشایری و عوامل مرتبط با آن، در پایداری و سامان‌دهی به نظم اجتماعی مؤثر خواهد بود؛ چرا که نبودن وفاق یا پایین بودن درجه آن در اجتماع موجب کندی فرآیند توسعه و حتی در صورت بحرانی شدن منجر به ازهم‌پاشیدگی کل جامعه می‌شود. بنابراین هدف اصلی این بررسی شناخت میزان وفاق اجتماعی عام در سه جامعه شهری، روستایی و عشایری و شناسایی برخی از عوامل مؤثر بر وفاق عام در ایلام است.

سوالات تحقیق

- ۱- میزان وفاق اجتماعی عام در میان کل پاسخ‌گویان چگونه است؟
- ۲- میزان وفاق اجتماعی عام در سه جامعه شهری، روستایی و عشایری چگونه است؟
- ۳- متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، نوع شغل و میزان درآمد، بعد خانوار) چه رابطه‌ای با میزان وفاق اجتماعی عام دارند؟

چهارچوب نظری تحقیق

نظریه وفاق^۶ شامل «مجموعه‌ای از نظریه‌هایی است که به مطالعه نظم، توافق، ثبات و انسجام اجتماعی می‌پردازد. این نظریه، به حفظ و ادامه نظم در جامعه توجه دارد و با هنجارهای مقبول، ارزش‌ها، قوانین و مقررات پذیرفته‌شده، به صورت گسترده یا جمعی سروکار دارد. وفاق اجتماعی به معنای توافق بر سر ارزش‌ها و هنجارهای اساسی جامعه، مفهومی است که از گذشته تا امروز در ادبیات علوم اجتماعی نقش محوری داشته است. وفاق دلالت بر پیدایی، اتفاق نظر و توافق آشکار و یا نهان در یک گروه دارد؛ خواه این توافق در باب زمینه‌های اصلی حیات آن گروه باشد و یا در زمینه خواست اعضا، برای داشتن حیاتی مشترک. بیرو معتقد است وفاق اساس زندگی مثبت اجتماعی را تشکیل داده و فقدان آن موجب بی‌سازمانی، فروریزی ساخت جامعه و ازهم‌پاشیدگی حیات اجتماعی می‌شود» (بیرو، ۱۳۷۵: ۶۴). برخی نیز وفاق در جامعه‌شناسی را با انرژی در فیزیک مقایسه کرده‌اند: «مفهوم وفاق در جامعه‌شناسی از چنان اهمیتی برخوردار است که انرژی در فیزیک. وفاق مفهومی متحدکننده و انتزاعی است و در برگیرنده و مرتبط سازنده مفاهیم و مفروضات بیشتری است همانند نور، گرما، صدا و الکترومغناطیس که اشکالی از انرژی در فیزیک هستند. بنابراین فرهنگ، ساختار، هنجار، نماد و... را باید اشکالی از وفاق در

4. Communa

5. Emotinal energy

6. Consensus theory

جامعه‌شناسی دانست» (شف، ۱۹۶۷).

برخی دیگر، وفاق را عبارت از اجماع شهروندان می‌دانند: «در جامعه‌شناسی منظور از وفاق اجتماعی، اجماع شهروندان بر سر ارزش‌ها و اعتقادات مشترک است. وفاق ملاط یگانگی اجتماعی است که از کنش‌های افراد نتیجه می‌گردد» (نیک‌گهر، ۱۳۷۳: ۳۶۹). برخی نیز به عدم توافق بر سر تعریف و مصداق وفاق اشاره کرده‌اند. آزادارمکی (۱۳۸۰: ۱۷) وفاق اجتماعی را یکی از مفاهیم کلیدی در حوزه علوم اجتماعی می‌داند اما معتقد است که میان علمای این علم توافقی بر سر تعریف مشترکی از آن وجود ندارد. عبداللهی نیز وفاق را «اجماع بر سر ارزش‌ها و اعتقادات و مجموعه‌ای از اصول مورد توافق می‌داند که نتیجه تعاملات اجتماعی و مجموعه‌ای از کنش‌های مقدماتی است. به عقیده وی شاخص وجود وفاق اجتماعی وجود انرژی عاطفی و مجموعه‌ای از خودتنظیمی‌ها است که در برخی از نوشته‌ها با عنوان کنترل درونی بحث شده است. در مجموع کارکردهای وفاق سه عامل‌اند: ۱. پذیرش همگانی قوانین، قواعد و هنجارها ۲. پیوند با نهادهایی که قوانین و قواعد را ترویج و اعمال می‌کنند ۳. احساس گسترده هویت و وحدت (عبداللهی، ۱۳۷۸: ۷). از سوی دیگر، برخی معتقدند وفاق در هر اجتماعی با استحکام اخلاقی آن جامعه پیوند دارد (بنت و بلانی، ۲۰۰۲).

دورکیم به مطالعه وفاق اجتماعی علاقه‌مند بود. ریتزر منشأ این علاقه او را به همبستگی اجتماعی ناشی از این مطلب می‌داند که وفاق پاسخ این سؤال است: "چه چیزی جامعه را حفظ می‌کند؟" (ریتزر، ۱۳۷۴: ۷۵). به دیگر سخن، این مسئله نظم اجتماعی و چگونگی ایجاد آن است که دورکیم را به سمت طرح همبستگی اجتماعی می‌کشاند. او از این مفهوم به منابع، خاستگاه‌های اخلاق و در نتیجه نظم اجتماعی در جامعه می‌پردازد و زمانی این پرسش را طرح می‌کند که جامعه با گسترش فردگرایی، نابه‌سامانی اجتماعی و گوناگونی اخلاقی روبه‌رو بوده است. طبق نظر وی، «نظم اجتماعی نسبتاً باثبات، بر نوعی وفاق اجتماعی استوار است و پیوستگی‌های عاطفی سازنده، بنیان پیش‌عقلانی^۷ وفاق اجتماعی، قواعد اجتماعی و حتی عقلانیت هستند» (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۵۷). دورکیم درباره ضرورت طرح این مفهوم معتقد است: «تکامل جامعه به میزان همبستگی اجتماعی و درجه آن بستگی دارد و بررسی این موضوع را نیز از وظایف همبستگی اجتماعی می‌داند. همبستگی اجتماعی، وحدت و یکپارچگی جامعه را در پی دارد و هرچه نتیجه آن قوی‌تر باشد افراد را بیشتر به سوی هم متمایل می‌کند و بر میزان روابط متقابل اجتماعی می‌افزاید. چنانچه درجه همبستگی جامعه کم باشد به همان نسبت از پیوند میان افراد و تنوع برخوردها و روابط اجتماعی میان آن‌ها کاسته می‌شود» (تنهایی، ۱۳۷۶: ۸۲). لذا به نظر بعضی جامعه‌شناسان آنچه سهم دورکیم را در جامعه‌شناسی مشخص می‌کند همین تشخیص عوامل سازنده وفاق است: این امر که نظام نهادهای فرهنگی، یعنی ارزش‌ها، عقاید، اصول جزئی دینی، ایدئولوژی‌ها و مانند این‌ها، پایه‌های مهمی برای وفاق در جامعه‌اند (ترنر، ۱۳۷۸: ۳۱). پس می‌توان گفت که از نظر دورکیم، وفاق اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که اکثر افراد ارزش‌ها و قواعد اخلاقی جامعه را بپذیرند و بدان عمل کنند. چنین وضعیتی به کاهش ناهنجاری و افزایش انسجام و ثبات در جامعه کمک می‌کند.

در دوره معاصر باید پارسونز را معمار وفاق اجتماعی دانست؛ چرا که او با تأمل در آثار و اندیشه‌های دورکیم و وبر، در پی ترسیم دیدگاهی ترکیبی برای پاسخ به مسئله چگونگی ایجاد وفاق در جامعه بود و با تلفیق نظریات فوق به ارائه نظریه "انسجام اجتماعی" پرداخت که یکی از اصطلاحات بنیادین وی به معنای وجود رابطه بین واحدهای یک سیستم بود. اجزای جامعه از طریق انسجام اجتماعی از یک طرف، به گونه‌ای مشترک عمل می‌کنند تا مانع انحطاط سیستم شوند و رکود آن را غیرممکن سازند و از طرف دیگر، برای ارتقای سطح کارآیی آن همکاری متقابل انجام می‌دهند. از این اصطلاح مترادف با وفاق اجتماعی استفاده می‌شود. پارسونز در طرح خرده‌نظام‌های فرعی خود، از خرده‌نظام اجتماعی نام می‌برد که کارکرد آن حفظ

انسجام و یگانگی در جامعه است. این خرده‌نظام حدود آزادی عمل کنش‌گران را تعیین می‌کند و باعث می‌شود که افراد به قراردادهای و اصول وفادار بمانند و از این طریق، از گسیختگی زیاد در نظام جلوگیری به عمل می‌آورد و باعث همبستگی و یگانگی آن می‌گردد. «این بعد از نظام کنش روابط کنش‌های متقابل میان واحدهای عضو را شامل می‌شود؛ ارتباطات و هماهنگی‌های لازم را ایجاد می‌کند و با تقویت رشته‌های همبستگی و صمیمیت میان اعضا از شدت گرفتن اختلاف و کجروی جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر، کار نظام اجتماعی، جمع کردن، یگانه کردن و هماهنگ ساختن اجزای کنش است» (همان: ۹-۹۸). پارسونز عمدتاً در معنای محدود کلمه، مشکل اساسی نظام اجتماعی را در بعد انسجامی آن می‌دید. او هسته اصلی مسئله نظم را کم و کیف انسجام هنجاری می‌بیند که مبتنی بر اصول مشترک ارزشی در جامعه است. به بیان دقیق‌تر، در وهله اول، حل مسئله نظم، منوط به تنظیم روابط بین واحدها^۸ بر مبنای اصول مشترک ارزشی است که از طریق نهادینه شدن اجتماعی و فرهنگی میسر می‌شود. او در وهله دوم، حل مشکل نظم را با تنظیم هنجاری درون واحدی از طریق درونی کردن فرهنگ ممکن می‌داند (چلبی، ۱۳۷۵: ۵-۱۴). به طور کلی می‌توان گفت «دو شکل از انسجام در آثار پارسونز مشاهده می‌شود: شکل اول که شباهت بسیار زیادی با مفهوم انسجام ارگانیک دورکیم دارد، مبتنی بر وفاق بر سر ارزش‌ها و هنجارهای مشترک است و در نوع ایده‌آل، انجمن‌های داوطلبانه متبلور می‌شود. انسجام در گروه‌های داوطلبانه، نتیجه بحث و مشورت افرادی است که آزادانه مشارکت کرده و پیوستن به این گروه‌ها را انتخاب کرده‌اند (عظیمی هاشمی، به نقل از کوهن و آراتو: ۱۳۱). در شکل دوم انسجام، مؤلفه مورد نظر پارسونز، تلاش برای یافتن معادل‌های کارکردی اجتماع (گماین شافت) بوده که در احساس تعلق مشترک ریشه دارد (عظیمی هاشمی، ۱۳۸۰: ۴۶). از نظر او پیامد وجود چهار عنصر آجیل (Agil)، پیوند متقابل بین آن‌ها و همچنین عمل این عناصر به کارکردهای خود و استقلال نسبی آن‌ها از همدیگر است که منجر به انسجام در جامعه خواهد شد. او برای انسجام بیشتر در درون نظام بزرگ اجتماع ویژگی‌های خاصی را بر شمرده و از آن‌ها با عنوان "خطوط تکاملی" یاد می‌کند. یکی از خطوط تکاملی، هنجارهای عام جهانی است که از آن‌ها با عنوان متغیرهای الگویی نام می‌برد. او معتقد است متغیرهای الگویی قدرت پیش‌بینی کنش‌ها را به ما می‌دهد و در شناخت جامعه به ما کمک می‌کند. بر این اساس وجود متغیرهایی چون عام‌گرایی، اکتساب، بی‌طرفی ارزشی در جامعه نشان از وفاق اجتماعی عام‌تر در بین افراد است.

بلاو از دیگر نظریه‌پردازانی است که رهیافت کاملاً متفاوتی در بحث وفاق اجتماعی دارد. وی در آثار خود برای فهم وفاق اجتماعی، الگویی مبادله‌ای ارائه کرده و عقیده دارد که وفاق اجتماعی زمانی در جامعه محقق می‌شود که بخشی از جامعه، بر پایه عواملی چون سن، جنس، نژاد، شغل و همسایگی به درجه بالایی از همانندی دست یابند. لذا از نظر بلاو مبادلات اجتماعی از طریق ایجاد نوعی اعتماد اجتماعی، تفکیک نقش (تخصصی شدن) و وابستگی متقابل، منجر به ایجاد وفاق اجتماعی خواهد شد. همچنین بلاو دو نوع جایگاه اجتماعی را مشخص کرده که هر یک با عوامل ساختاری معینی همراه هستند. یک گروه بر مبنای عوامل اسمی مشخص می‌شوند؛ حال آن که گروه دیگر - که مربوط به منزلت اجتماعی است - بر پایه عوامل درجه‌بندی تعیین می‌گردد. او معتقد است نخستین صورت تمایز، ناهم‌گونی است که توزیع جمعیت در میان گروه‌های گوناگون، بر حسب عوامل اسمی را در برمی‌گیرد. دومین صورت، نابرابری است که با توزیع منزلتی و بر حسب عوامل درجه‌بندی شده مشخص می‌شود. بلاو می‌گوید: هر جامعه‌ای می‌تواند نابرابری‌های فراوان را تحمل کند، ولی هرگز نمی‌تواند ناهم‌گونی بیش از اندازه را تاب بیاورد. او برخلاف پارسونز معتقد نیست که عواملی چون فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارها یکپارچگی اجتماعی ایجاد می‌کنند، بلکه بر این باور است که درجه تمایز ساختاری، این یکپارچگی را به وجود می‌آورد. ناهم‌گونی، موانعی را بر سر

8. Inter unit relationship

راه یکپارچگی ایجاد می‌کند. اما در یک مقطع معین، زمانی که ناهم‌گونی شدت یابد، این موانع به فروریختن گرایش پیدا می‌کنند (ریترز، ۱۳۷۴: ۵۷۰). لذا از نظر او یگانه راه «جلوگیری از سوء وفاق و ارتقای آن، این است که به جای این که اعضای گروه تلاش کنند بر دیگران تأثیر بگذارند، تلاش خود را صرف این نمایند که تنگناهایی را که به زودی بر اثر این رقابت به وجود خواهد آمد، از میان بردارند (کوثری، ۱۳۷۵: ۷۲). پاننام «نیز در خصوص رابطه بین مشارکت اجتماعی و همبستگی اجتماعی معتقد است که مشارکت اجتماعی عام، منجر به همبستگی اجتماعی در جامعه می‌گردد. برخی محققان نیز بین وفاق اجتماعی و تقویت اخلاقی جامعه ارتباط وثیق یافته‌اند (بنت و بلانی، ۲۰۰۲). هم‌چنین محققانی وفاق را به موقعیت اقلیت یا اکثریت بودن نسبت می‌دهند: داده‌های به دست آمده از فراتحلیل تحقیقات مربوط نشان می‌دهد میزان وفاق در یک گروه اجتماعی می‌تواند تابعی از موقعیت اقلیت و اکثریت بودن آن گروه در جامعه مورد نظر باشد (کروگر و کلمنت، ۱۹۹۷).

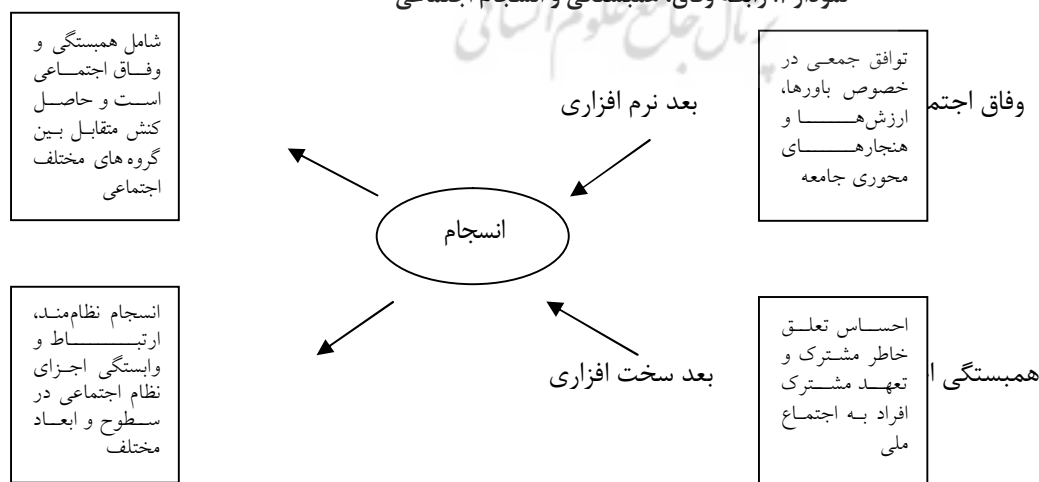
در ایران بحث وفاق اجتماعی را چلبی از سال ۱۳۷۲ به بعد مطرح کرده است. از نظر وی وفاق اجتماعی «نوعی توافق جمعی یا ملی در خصوص باورها، ارزش‌ها و هنجارهای محوری جامعه است» (چلبی، ۱۳۷۸: ۲۰). وی هم‌چنین «اعتماد اجتماعی عام» را یکی از مشخصه‌های وجود وفاق اجتماعی در جامعه می‌داند که از طریق تعاملات اظهاری یا روابط گرم بین افراد نمایان می‌شود. این محقق در جای دیگری وفاق را توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی در یک میدان تعامل می‌داند که موجد انرژی عاطفی است. وی چهار عنصر را به لحاظ تحلیلی برای وفاق در نظر گرفته است. «نوعی توافق جمعی، مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی (باورها، ارزش‌ها و هنجارهای محوری جامعه)، تعامل و احساس» (چلبی، ۱۳۷۲). چلبی وفاق را به منفعل و فعال تقسیم می‌کند و معتقد است که در جوامع امروزی نمی‌توان از همان مفهومی استفاده کرد که در گذشته مطرح بوده است. از نگاه وی، جامعه گذشته ما به تعبیر ساده جامعه‌ای تقسیم‌شده^۹ بوده و نوع وفاق حاکم بر آن نیز از نوع انفعالی و غیرقراردادی بوده است. اما جامعه امروزی یک جامعه انجمنی است و وفاق خاص خود را می‌طلبد که وفاق فعال یا قراردادی است. چلبی نوع وفاق حاکم بر جامعه ایران در دوران قبل از انقلاب مشروطیت را وفاق انفعالی و غیر قراردادی می‌داند و معتقد است جوامع امروزی نوع دیگر وفاق اجتماعی را می‌طلبند. او می‌گوید: «در جامعه ما شرایطی به وجود آمد، از جمله افزایش جمعیت، وجود اقوام مختلف، تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی، غلظت اطلاعاتی بالای محیط درونی و بیرونی که همه باعث شد تا به طور بالقوه، فهم مشترک پایین بیاید؛ در چنین شرایطی طبیعی است که ما به نوعی وفاق نسبی احتیاج داشته باشیم. در وضعیتی که جمعیت زیاد شده و تفکیک اجتماعی - اقتصادی در آن صورت گرفته، گروه‌بندی‌های مختلف سیاسی - قومی و صنفی و شغلی همراه با خرده‌فرهنگ‌های مربوط به آن وجود دارد و سطح بالای باسوادی با تحرک اجتماعی همراه گردیده است. این وضعیت نشان می‌دهد که اکنون به نوعی وفاق نسبی، فعال و فراگیر نیازمندیم که همه به صورت داوطلبانه در سایه آن قرار بگیرند» (چلبی، ۱۳۷۹). نوع اخیر وفاق، وفاق اجتماعی عام و تعمیم یافته است که شکل‌گیری آن در هر جامعه‌ای باعث فراهم شدن ثبات سیاسی، مشارکت و همکاری اجتماعی، حل دو مشکل بنیانی (پیش‌بینی‌پذیری رفتارها و تعاون اجتماعی)، برخورد فعالانه با فرهنگ‌های بیگانه و کاستن از شکاف بین اخلاق نظری و اخلاق عملی و به تعبیر دیگر کاستن از امکان بروز فساد اخلاقی، سیاسی و اداری مانند ریاکاری، پارتی‌بازی، خویشاوندگرایی، کم‌کاری، رشوه‌خواری و اختلاس می‌شود (چلبی، ۱۳۸۵: ۵-۱۵۴).

چلبی ضمن برشمردن مفاهیم هم‌خانواده وفاق اجتماعی هم‌چون همبستگی، انسجام، نظم و اجتماع نظام‌مند، بین این مفاهیم تفاوت قایل شده است. به عقیده وی وفاق اجتماعی، زیرمجموعه همبستگی اجتماعی و یا به تعبیر علوم سیاسی، همبستگی ملی است و همبستگی ملی نیز خود زیرمجموعه مفهوم انسجام اجتماعی است و این مفهوم را نیز، زیرمجموعه نظم و نظام اجتماعی می‌داند. از دید او «همبستگی اجتماعی

عبارت است از احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد مشترک افراد به اجتماع ملی». از نظر او، انسجام اجتماعی نیز در برگرفته هر دو مفهوم وفاق اجتماعی و همبستگی اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۸). محسنی تبریزی (۱۳۸۰) نیز معتقد است در سنجش وفاق اجتماعی باید اعتماد اجتماعی را به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی آن مورد توجه قرار داد.

از سوی دیگر برخی از صاحب‌نظران نوسازی اجتماعی چون راجرز (به نقل از موسوی، ۱۳۸۴)، فاستر (۱۳۷۸) و ردفیلد (به نقل از فکوهی، ۱۳۸۱) نیز در قالب نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی، خیر محدود و جامعه ابتدایی به موضوعاتی چون تقدیرگرایی، خاص‌گرا بودن، خانواده‌گرایی، مشارکت و... پرداخته‌اند و آن‌ها را مانع وفاق عام، توسعه و پذیرش نوسازی و تغییر در جامعه دانسته‌اند. از آن‌جا که وفاق اجتماعی هموارکننده راه توسعه و تغییر در جامعه محسوب می‌شود، باید تقدیرگرایی را از موانع وفاق اجتماعی در جامعه دانست که رابطه‌ای معکوس با آن دارد. بنابر تحقیقات صورت گرفته، استفاده از وسایل ارتباط جمعی با وفاق اجتماعی رابطه دارد. نتایج تحقیقات صورت گرفته در داخل و خارج از کشور نیز مؤید این امر است. از جمله حاصل مباحث کازنو و لرنر نشان‌دهنده این رابطه است و دوویچ نیز از وسایل ارتباط جمعی، به عنوان به وجود آورنده وفاق اجتماعی در جامعه نام می‌برد. در این بین بشیریه معتقد است در عصر جدید بدون بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی، همبستگی و وفاق در درون جامعه در سطح عام و گسترده آن صورت نخواهد گرفت. کوثری (۱۳۷۵)، از کیا و غفاری (۱۳۸۰) و هم‌چنین افروغ (۱۳۷۸) نیز با انجام تحقیقات و مطالعاتی اثبات کرده‌اند که مشارکت اجتماعی بیشتر، به وفاق اجتماعی منجر خواهد شد (صداقت‌زادگان، ۱۳۷۸؛ روان‌بخش، ۱۳۸۶؛ گرین، ۲۰۰۳). البته تفاوت در نتایج این تحقیقات مبین تفاوت آن‌ها در تعریف وفاق اجتماعی است. جمع‌بندی نتایج این پژوهش‌ها را می‌توان در دیدگاه هیمنان دید که هرچه افراد در طبقات اجتماعی بالاتری قرار داشته باشند، میزان وفاق اجتماعی در میان آن‌ها بیشتر خواهد بود. وی بر متغیر تحصیلات تأکید دارد و معتقد است تحصیلات بالا، وفاق اجتماعی بیشتری را در پی خواهد داشت. نهایتاً در تنظیم چارچوب نظری تحقیق حاضر، تمرکز اصلی بر اندیشه پارسونز است و از دیدگاه‌های چلبی (۱۳۷۸) و عبداللهی (۱۳۸۵) به عنوان جامعه‌شناسان ایرانی نیز بهره برده‌ایم. هم‌چنین از دیدگاه‌های صاحب‌نظرانی چون پاتنام (۱۳۸۰) و افروغ (۱۳۷۸) (مشارکت اجتماعی)، کازنو (۱۳۷۲)، لرنر (۱۳۸۳) و بشیریه (۱۳۸۷) (وسایل ارتباط جمعی)، پیتر بلاو (به نقل از توسلی، ۱۳۷۴) (قشربندی اجتماعی) و هیمنان (تحصیلات) به عنوان مکمل بحث وفاق اجتماعی و متغیرهای مستقل تأثیرگذار استفاده شده است که به طور کلی، حاصل مباحث مطرح شده بالا را می‌توان در قالب الگوی زیر نشان داد:

نمودار ۱. رابطه وفاق، همبستگی و انسجام اجتماعی



روش‌شناسی تحقیق

در این مطالعه روش پژوهش پیمایش با استفاده از پرسش‌نامه بوده است. جامعه آماری، مناطق سه‌گانه شهری، روستایی و عشایری ایلام به این شرح است: ۱. جامعه شهری: تمامی ۳۵۷۱۹ نفر سرپرستان خانوارها برحسب سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ ساکن در دو شهر واقع در شهرستان ایلام ۲. جامعه روستایی: تمامی سرپرستان خانوارهای روستایی ۶۶۰۷ نفر ۳. جامعه عشایری: تمامی ۳۷ نفر سرپرستان خانوارهای عشایری شهرستان.

با توجه به گستردگی جمعیت و متفاوت بودن جوامع مورد نظر، شیوه نمونه‌گیری در این سه جامعه نیز متفاوت بوده است. بدین ترتیب که شیوه نمونه‌گیری برای جامعه شهری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، برای جامعه روستایی طبقه‌ای نسبی و در جامعه عشایری تمام شماری صورت گرفته است. برای تعیین حجم نمونه در جوامع شهری و روستایی، از فرمول کوکران استفاده شد. در نهایت حجم نمونه در جامعه شهری ۳۸۰، در نقاط روستایی ۳۶۳ و در جامعه عشایری ۳۵ بوده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر جهت پردازش داده‌ها ابتدا از آمار توصیفی شامل محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و نمودار استفاده شد. آن‌گاه باتوجه به تبیینی بودن پژوهش از آزمون‌های آماری متناسب با فرضیات استفاده گردید. ابتدا برای مقایسه میانگین‌های هر سه جامعه شهری، روستایی و عشایری با یکدیگر و پی بردن به تفاوت میانگین‌های آن‌ها از آزمون تحلیل واریانس^{۱۰} استفاده شد. در گام بعدی با استفاده از پس‌آزمون شفه^{۱۱} به مقایسه مقدار اختلاف بین میانگین‌ها پرداخته شد و نهایتاً از تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیون استفاده گردید. از تحلیل مسیر نیز برای رسم مدل‌ها و هم‌چنین از آزمون کولموگروف-اسمیرانف برای پی بردن به نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده شده است. برای بررسی اعتبار صوری، پرسش‌نامه در اختیار چهار نفر از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی قرار داده شد که حاصل نظرات آنان، اصلاح بخش‌هایی از پرسش‌نامه بود. سپس اعتبار تجربی از طریق آزمون اولیه بر روی ۳۰ آزمودنی (۲۰ نفر شهری، ۷ نفر روستایی و ۳ نفر عشایری) بررسی گردید. در این مرحله نیز برخی دیگر از نواقص و ابهامات موجود در سؤالات پرسش‌نامه اصلاح شد. در نهایت آلفای کرونباخ برای تمام شاخص‌ها و متغیرها، پس از حذف قسمت‌های کم‌تأثیر یا بی‌تأثیر ۷۶ درصد به دست آمد که نشان می‌دهد ابزار جمع‌آوری داده‌ها معتبر است.

فرضیات تحقیق

۱. بین میزان مشارکت اجتماعی و وفاق اجتماعی عام در بین جوامع شهری، روستایی و عشایری رابطه وجود دارد.
۲. بین پایگاه اجتماعی و میزان وفاق اجتماعی عام در جوامع سه‌گانه فوق رابطه وجود دارد.
۳. میزان بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی بر وفاق اجتماعی عام تأثیر دارد.
۴. بین میزان تقدیرگرایی و میزان وفاق اجتماعی عام در بین جوامع شهری، روستایی و عشایری رابطه وجود دارد.
۵. میزان تحصیلات بر میزان وفاق اجتماعی عام اثر معنی‌دار دارد.
۶. وفاق اجتماعی عام در طوایف مختلف شهرستان پراکنش معنی‌داری دارد.

یافته‌های پژوهش

وفاق اجتماعی از مفاهیمی است که از ابتدای پیدایش جامعه‌شناسی، مورد توجه اندیشمندان و جامعه‌شناسان بوده است؛ به طوری که

10. ANOVA

11. Scheffe

می‌توان اغلب متفکران و جامعه‌شناسان کلاسیک را به دو دسته بزرگ طرفداران وفاق و هواخواهان تضاد تقسیم کرد. بیشتر جامعه‌شناسان کلاسیک وفاق را محور اساسی جامعه دانسته‌اند و آن را شرط اصلی پیدایش و تداوم یک جامعه تلقی کرده‌اند. در این پژوهش مقصود از وفاق اجتماعی، وفاق نسبی است. چرا که دستیابی به وفاق مطلق در عصر حاضر به هیچ وجه مقدور نبوده و حتی در طول تاریخ اندیشه‌هایی که ندای ایجاد وفاق مطلق را در جامعه سر داده‌اند، در عمل سر از استبداد درآورده‌اند. میزان و درجه وفاق اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلفی است. بنابر تحقیقات به عمل آمده، محل سکونت افراد از جمله متغیرهایی است که نظام‌های خاص شخصیتی را پرورش می‌دهد و بر میزان وفاق اجتماعی تأثیر می‌گذارد (عبداللهی، بی‌تا و روان‌بخش، ۱۳۸۶). در جدول ۱ میزان وفاق عام در سه جامعه مورد نظر عرضه شده است.

جدول ۱. توزیع نمونه آماری برحسب میزان وفاق اجتماعی عام در میان کل پاسخ‌گویان

وفاق اجتماعی	فراوانی	درصد ناخالص فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
بسیار پایین	۱۰	۱/۳	۳۱
پایین تر از متوسط	۱۰۵	۱۳/۵	۱۴/۸
متوسط	۳۳۰	۴۲/۴	۵۷/۲
بالتر از متوسط	۳۰۶	۳۹/۳	۹۶/۵
بسیار بالا	۲۷	۳/۵	۱۰۰
جمع	۷۷۸	۱۰۰	

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد میزان وفاق اجتماعی عام در میان کل پاسخ‌گویان در سه جامعه شهری، روستایی و عشایری ایلام در حد متوسط (۸۱/۷) است؛ هرچند تحلیل و مقایسه این میزان در سه جامعه مبین متفاوتی از وفاق در سه بخش یاد شده است. هم‌چنین منطبق با نظریه‌های مطرح شده در ادبیات تحقیق میزان وفاق از عوامل مختلفی متأثر است که در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه تحقیق	نوع جامعه	اف	معناداری	مجذور آر	نتیجه
رابطه میان مشارکت اجتماعی و وفاق اجتماعی عام در بین سه جامعه	کل پاسخ‌گویان	۲۷۶/۱۳۲	۰/۰۰۰	۰/۲۶۴	تأیید
	شهر	۱۰۹/۸۱۴	۰/۰۰۰	۰/۲۲۳	تأیید
	روستا	۱۲۳/۴۹۴	۰/۰۰۰	۰/۲۵۳	تأیید
	عشایر	۲۸/۳۵۵	۰/۰۰۰	۰/۴۴۶	تأیید
رابطه میان قشر اجتماعی و وفاق اجتماعی عام در بین سه جامعه	کل پاسخ‌گویان	۷۷/۸۵۸	۰/۰۰۰	۰/۰۹۰	تأیید
	شهر	۲۴/۰۵۵	۰/۰۰۰	۰/۰۵۷	تأیید
	روستا	۱۷/۶۷۸	۰/۰۰۰	۰/۰۴۴	تأیید
	عشایر	۷/۸۶۰	۰/۰۰۸	۰/۱۶۸	رد
رابطه میان بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی و وفاق	کل پاسخ‌گویان	۱۰/۳۶۶	۰/۰۰۱	۰/۰۱۲	تأیید
	شهر	۲/۰۰۱	۰/۱۵۸	۰/۰۰۳	رد
	روستا	۰/۰۰۲	۰/۹۶۱	-۰/۰۰۳	رد

اجتماعی در بین سه جامعه	عشایر	۰/۰۳۹	۰/۸۴۵	-۰/۰۲۹	رد
رابطه میان تقدیرگرایی و میزان وفاق اجتماعی در بین سه جامعه	کل پاسخ‌گویان	۱۶۸/۱۶۲	۰/۰۰۰	۰/۱۷۷	تأیید
	شهر	۸۵/۲۷۶	۰/۰۰۰	۰/۱۸۲	تأیید
	روستا	۶۴/۷۴۲	۰/۰۰۰	۰/۱۵۰	تأیید
	عشایر	۱/۹۴۳	-۰/۱۷۳	۰/۰۲۷	رد
رابطه میزان تحصیلات و وفاق اجتماعی در سه جامعه	کل پاسخ‌گویان	۵۵/۶۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۶۶	تأیید
	شهر	۴۱/۱۲۹	۰/۰۰۰	۰/۰۹۶	تأیید
	روستا	۱۲/۲۶۰	۰/۰۰۱	۰/۰۳۰	تأیید
	عشایر	۱/۱۰۵	۰/۳۰۱	۰/۰۰۳	رد

به‌طور طبیعی هر چقدر شهرنشینی در منطقه‌ای افزایش یابد و جامعه از هویت‌های سنتی که مبتنی بر قومیت یا نوعی محلی‌گرایی افراطی است، به سمت توافق ارزشی و هنجاری بیشتری حرکت کند، وفاق عام نیز بیشتر می‌شود. داده‌های حاصل از آزمون شفه نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان شهری، دارای بالاترین میزان وفاق اجتماعی‌اند و پس از آن پاسخ‌گویان روستایی و در آخر نیز پاسخ‌گویان عشایری قرار دارند. هم‌چنین نتایج حاصل از آزمون اف نشان می‌دهد بین میانگین‌های سه جامعه شهری، روستایی و عشایری تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($0/05 < 0/00 = \text{معناداری}$). بررسی رگرسیون دو متغیره مشارکت اجتماعی عام و وفاق اجتماعی نشان می‌دهد متغیر مشارکت اجتماعی به تنهایی $0/26$ از تغییرات متغیر وفاق اجتماعی را در بین کل پاسخ‌گویان تبیین می‌کند. سهم خالص این متغیر در تبیین میزان وفاق اجتماعی در جامعه شهری $0/22$ ، روستایی $0/25$ و در جامعه عشایری $0/44$ است. متغیر قشر اجتماعی نیز به تنهایی $0/09$ از تغییرات وفاق اجتماعی را در میان کل پاسخ‌گویان و $0/06$ از تغییرات متغیر وابسته در جامعه شهری، $0/04$ در جامعه روستایی و $0/17$ در جامعه عشایری را تبیین می‌کند. این میزان با بهره‌مندی هرچه بیشتر از وسایل ارتباط جمعی و وفاق اجتماعی افزایش می‌یابد. اگرچه این مطالب در میان کل پاسخ‌گویان تأیید شد، این رابطه به تفکیک جوامع شهری، روستایی و عشایری دیده نشده است. مقدار مجذور آر تصحیح شده در سطح کل پاسخ‌گویان نیز نشان می‌دهد که تنها $0/12$ از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر وسایل ارتباط جمعی تبیین می‌گردد. هم‌چنان که پیشتر یادآور شدیم، ویژگی‌هایی چون خاص‌گرایی و تقدیرگرایی مانع وفاق هستند. بررسی رابطه این دو نشان می‌دهد که متغیر تقدیرگرایی به تنهایی $0/18$ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. مقدار مجذور آر تصحیح شده در جامعه شهری $0/18$ و در جامعه روستایی $0/15$ بوده است. رابطه بین این دو متغیر در جامعه عشایری معنی‌دار نبوده است. رابطه میزان تحصیلات و وفاق اجتماعی بیانگر آن است که متغیر میزان تحصیلات به تنهایی $0/07$ از تغییرات وفاق اجتماعی را در سطح کل پاسخ‌گویان تبیین می‌کند. این وضعیت برای جامعه شهری $0/10$ و در روستا $0/03$ بوده است. بین این دو متغیر در جامعه عشایری رابطه معنی‌داری دیده نشد. تفاوت وفاق اجتماعی عام در میان طوایف مختلف متفاوت می‌باشد ($0/01 < \text{معناداری}$). نتایج آزمون شفه نیز نشان می‌دهد پاسخ‌گوانی که خود را وابسته به هیچ طایفه‌ای ندانسته‌اند و پس از آن‌ها پاسخ‌گویان طوایف کرد و دهبالایی دارای بالاترین میانگین وفاق و طوایف علیشروان و میشخاصی از کمترین میزان وفاق برخوردار بوده‌اند. رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل و وابسته نشان می‌دهد که متغیرهای مشارکت و قشر اجتماعی، تقدیرگرایی و تحصیلات، $0/41$ از تغییرات وفاق اجتماعی عام در میان کل پاسخ‌گویان را تبیین می‌کند. این متغیرها توانسته‌اند $0/40$ از تغییرات متغیر وابسته در جامعه شهری، $0/38$ در جامعه روستایی و $0/45$ در جامعه عشایری را تبیین نمایند. نتایج این تحلیل بیانگر عدم رابطه متغیر بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی یا وفاق اجتماعی عام می‌باشد.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس متغیرهای مستقل و وابسته وارد شده در معادله رگرسیون

نوع جامعه	منبع تغییر	جمع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	اف	معناداری	آر	مجدور آر
کل پاسخ‌گویان	بین گروهی	۱۰۵۵۰/۷۲۰	۵	۲۱۱۰/۱۴۴	۱۰۹/۳۷۱	۰/۰۰۰	۰/۶۴۴	۰/۴۱۱
	درون گروهی	۱۴۸۹۴/۵۰۹	۷۷۲	۱۹/۲۹۳				
	مجموع	۲۵۴۴۵/۲۲۹	۷۷۷					
شهر	بین گروهی	۴۶۸۶/۸۳۶	۵	۹۳۷/۵۶۷	۵۰/۹۱۶	۰/۰۰۰	۰/۶۳۶	۰/۳۹۷
	درون گروهی	۶۸۸۶/۹۰۱	۳۷۴	۱۸/۴۱۴				
	مجموع	۱۱۵۷۴/۷۳۷	۳۷۹					
روستا	بین گروهی	۴۵۸۷/۵۴۰	۵	۹۱۷/۵۰۸	۴۴/۴۵۲	۰/۰۰۰	۰/۶۱۹	۰/۳۷۵
	درون گروهی	۷۳۶۸/۷۰۸	۳۵۷	۲۰/۶۴۱				
	مجموع	۱۱۹۵۶/۲۴۸	۳۶۲					
عشایر	بین گروهی	۳۹۸/۷۸۵	۵	۷۹/۷۵۷	۶/۵۱۹	۰/۰۰۰	۰/۷۲۷	۰/۴۴۸
	درون گروهی	۳۵۴/۸۱۵	۲۹	۱۲/۲۳۵				
	مجموع	۷۵۳/۶۰۰	۳۴					

نتایج تحلیل واریانس فوق نشان می‌دهد که هر پنج متغیر مستقل با متغیر وابسته (وفاق اجتماعی عام) رابطه معنی‌داری (۰/۰۰۰) دارند. مقدار مجدور آر تصحیح شده بیان می‌کند که متغیرهای مستقل در مجموع ۰/۴۱ از تغییرات متغیر وابسته (وفاق اجتماعی عام) را تبیین می‌کنند. ۰/۵۹ باقی‌مانده از واریانس متغیر وفاق اجتماعی عام مربوط به متغیرهایی است که این بررسی به آن‌ها نپرداخته است.

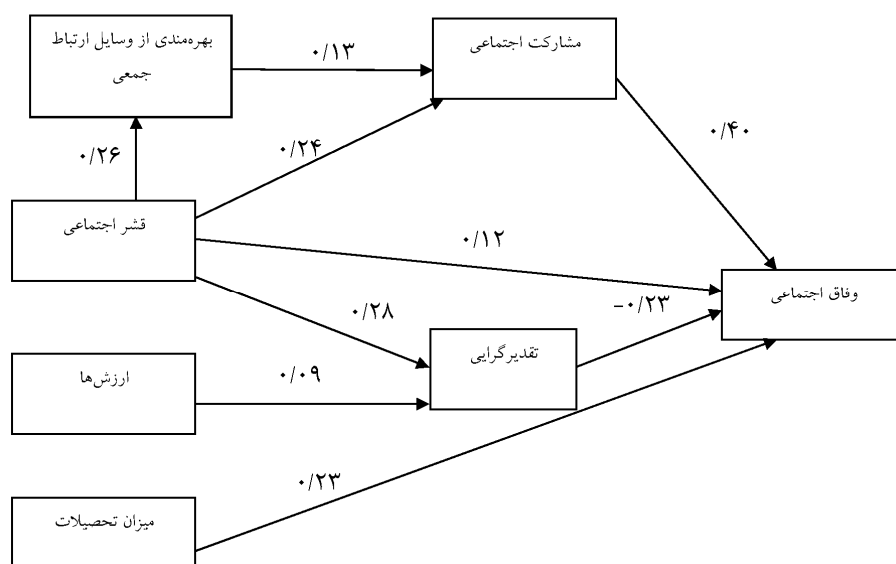
جدول ۴. تحلیل رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

نوع جامعه	نام متغیر مستقل	بتا	تی	معنی‌داری
کل پاسخ‌گویان	وسایل ارتباط جمعی	-۰/۰۱۰	-۰/۳۳۴	۰/۷۳۹
	مشارکت اجتماعی	۰/۳۹۶	۱۳/۵۵۱	۰/۰۰۰
	قشر اجتماعی	۰/۱۲۰	۴/۰۰۴	۰/۰۰۰
	تحصیلات	۰/۲۲۸	۸/۲۵۵	۰/۲۲۸
	تقدیرگرایی	-۰/۲۲۷	-۹/۳۸۸	۰/۲۷۷

۰/۰۰۰	۸۷/۹۸۲	۹۷/۶۹۶	مقدار ثابت	
۰/۷۱۷	-۰/۳۶۲	-۰/۰۱۵	وسایل ارتباط جمعی	شهر
۰/۰۰۰	۸/۵۹۱	۰/۳۵۹	مشارکت اجتماعی	
۰/۰۳۳	۲/۱۴۰	۰/۰۹۰	قشر اجتماعی	
۰/۰۰۰	۶/۶۸۹	۰/۲۶۸	تحصیلات	
۰/۰۰۰	۷/۱۱۴	-۰/۳۰۲	تقدیرگرایی	
۰/۰۰۰	۵۹/۵۸۴	۹۹/۰۲۲	مقدار ثابت	
۰/۸۶۷	-۰/۱۶۷	-۰/۰۰۷	وسایل ارتباط جمعی	
۰/۰۰۰	۹/۸۶۶	۰/۴۲۵	مشارکت اجتماعی	
۰/۰۱۰	۲/۵۹۶	۰/۱۱۱	قشر اجتماعی	
۰/۰۰۰	۴/۹۴۹	۰/۲۰۷	تحصیلات	
۰/۰۰۰	۶/۳۱۷	-۰/۲۷۶	تقدیرگرایی	
۰/۰۰۰	۵۲/۵۶۴	۹۶/۰۴۲	مقدار ثابت	
۰/۶۰۸	-۰/۵۱۹	-۰/۰۶۹	وسایل ارتباط جمعی	عشایر
۰/۰۰۰	۴/۴۵۲	۰/۶۱۶	مشارکت اجتماعی	
۰/۰۸۸	۱/۷۶۸	۰/۲۵۴	قشر اجتماعی	
۰/۷۶۳	۰/۳۰۴	۰/۰۴۱	تحصیلات	
۰/۸۵۳	-۰/۱۸۷	-۰/۰۲۶	تقدیرگرایی	
۰/۰۰۰	۲۴/۱۲۱	۱۰۰/۷۶۵	مقدار ثابت	

براساس مجموع یافته‌های این تحقیق در خصوص عوامل مؤثر بر وفاق می‌توان مدل زیر را با استفاده از نمودار تحلیل مسیر ترسیم کرد. بیشترین اثر مستقیم مربوط به متغیرهای مشارکت اجتماعی، میزان تحصیلات با تأثیر مثبت و سپس تقدیرگرایی با اثر منفی و نهایتاً قشر اجتماعی است. به عبارت دیگر، هرچه افراد سابقه مشارکت اجتماعی و سواد بیشتری داشته باشند وفاق اجتماعی بالاتری نیز دارند و تقدیرگرایی بالا در نگرش افراد نیز مانع وفاق است. متغیرهای واسطه نیز مؤید ارتباط بین بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی و قشر اجتماعی یا مشارکت اجتماعی است. این دو متغیر به صورت غیرمستقیم بر میزان وفاق اثر داشته‌اند. هم‌چنین بین قشر اجتماعی با تقدیرگرایی رابطه معکوس وجود دارد (هرچه قشر اجتماعی بالاتر تقدیرگرایی کمتر). این متغیر نیز به صورت غیرمستقیم بر میزان وفاق افراد با ارزش و هنجارهای جامعه تأثیر می‌گذارد.

نمودار ۲. نمودار مسیر وفاق اجتماعی در میان کل پاسخ‌گویان



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیشتر اشاره شد وفاق اجتماعی برای بسیاری از متفکران اجتماعی کلاسیک و معاصر به‌عنوان عنصر اساسی انسجام اجتماعی و آنچه موجب استمرار حیات جامعه می‌گردد، مهم بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در جامعه مورد مطالعه، میزان وفاق اجتماعی به‌طور کلی در حد متوسط قرار دارد. اما میزان وفاق اجتماعی در سه جامعه شهری، روستایی و عشایری تفاوت محسوسی دارد. تفاوت جامعه شهری نسبت به دو جامعه دیگر (روستایی و عشایری) به‌صورت کاملاً معنی‌داری بیشتر است، زیرا جامعه عشایری جامعه‌ای کاملاً خاص‌گرا است و سطح اعتماد اجتماعی عام در آن پایین می‌باشد. بنابراین هرچه از جامعه عشایری به سمت جامعه روستایی و شهری حرکت کنیم بر میزان وفاق اجتماعی عام افزوده می‌شود (هرچند که وفاق اجتماعی خاص برعکس است و از جامعه روستایی به شهری کم می‌شود). سطح متغیرهایی چون سواد، مشارکت مدنی و بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی در جامعه شهری بالا است و طبق مدل تحلیلی این تحقیق بر وفاق اجتماعی مؤثر است. نسل جوان به وفاق اجتماعی عام‌گرای بیشتری دارد. این یافته با نتایج مطالعه جوزف و ایلین‌جان (۲۰۰۳) مشابه است و نشان‌دهنده آن است که نسل نو با نسل‌های قدیمی‌تر در زمینه شاخص‌هایی چون عام‌گرایی، اکتساب، اعتماد اجتماعی عام و نظام ارزشی خود، متفاوت می‌باشند.

متغیر مشارکت اجتماعی در این بررسی هم‌سو با نظریات پاتنام و نتایج پژوهش‌های کوثری (۱۳۷۵) و ازکیا و غفاری (۱۳۸۰) به همبستگی اجتماعی بیشتری می‌انجامد. این متغیر در هر سه جامعه بالاترین مقدار مجذور آر تصحیح شده را داشته و در میزان وفاق اجتماعی در هر سه جامعه تطابق نظریات هینمان (۱۳۸۳) و نتایج پژوهش‌های صداقت‌زادگان (۱۳۷۷)، مدیرپناه (۱۳۷۹)، قاسمی (۱۳۸۴) و روان‌بخش (۱۳۸۶) در این بررسی نیز بر رابطه بین قشر اجتماعی و وفاق اجتماعی تأکید شد. اما آزمون رگرسیون، آشکار می‌سازد که با وجود معنی‌داری رابطه بین قشر اجتماعی و وفاق اجتماعی، قدرت تبیین‌کنندگی این متغیر نسبت به سایر متغیرها پایین بوده است. ناهم‌خوانی شاخص‌های قشر اجتماعی چون (درآمد، شغل و برخورداری از تسهیلات زندگی) با نوع ارزش‌های عام‌گرایانه که شاخص وفاق اجتماعی هستند، ما را به این نظر می‌رساند که برخورداری بالاتر از امکانات زندگی، لزوماً با داشتن ارزش‌های عام‌گرایانه همراه نیست. تداوم این شکاف می‌تواند به پس‌افتادگی فرهنگی منجر گردد.

بر اساس دیدگاه نوسازی، تقدیرگرایی از موانع توسعه است. نتایج این پژوهش نیز مبین رابطه معنی‌دار اما معکوس، بین تقدیرگرایی و وفاق اجتماعی است. به بیان دیگر افرادی که از میزان بالایی از وفاق اجتماعی برخوردارند کمترین میزان تقدیرگرایی را نشان داده‌اند. تعیین‌کنندگی این متغیر در جامعه شهری بیشتر از سایر جوامع بوده است. متغیر دیگری که رابطه آن با وفاق اجتماعی آزموده شد، بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی بود. نتایج مبین عدم رابطه بین این دو متغیر در هر سه جامعه می‌باشد که با نتایج به دست آمده از تحقیقات صداقت‌زادگان (۱۳۷۷) و قاسمی (۱۳۸۴) تا حدودی نزدیک است: در مورد رابطه وسایل ارتباطی چون (رادیو، تلویزیون، کتاب، ویدیو، روزنامه و اینترنت) با وفاق اجتماعی داده‌های به دست

آمده مؤید رابطه معنی‌دار و مثبت مطالعه کتاب، روزنامه و استفاده از اینترنت با وفاق اجتماعی است. اما رابطه میزان استفاده از رادیو، تلویزیون و ویدیو معنی‌دار نبوده است (0/05 > معنی‌داری). زیرا رادیو و تلویزیون در کشور ما نتوانسته‌اند کارویژه‌های وسایل ارتباطی را که کارل دویچ مطرح می‌کند، مانند ایجاد تفاهم و تساهل میان فرهنگ‌ها و ارزش‌ها، همسازی گروه‌های مختلف اجتماعی و همبستگی ملی و بین‌المللی به درستی ایفا کنند. اما در عین حال نتایج این تحقیق نشان داد که ابزاری چون روزنامه و کتاب و اینترنت بر وفاق اجتماعی اثر مثبت دارد و افرادی که از این وسایل ارتباط جمعی بیشتر استفاده می‌کنند از وفاق بالاتری برخوردارند. درخصوص تأثیر تحصیلات نیز نتایج این تحقیق هم‌چون نتایج حاصل از پژوهش‌های جوزف و ایلین جان (2003)، و دیدگاه‌های چلبی و صداقت‌زادگان (1377) و قاسمی (1384) نشان داد که بین تحصیلات و وفاق اجتماعی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار وجود دارد. اما این یافته با نتیجه پژوهش روان‌بخش (1387) مبنی بر این‌که گروه‌های بی‌سواد و کم‌سواد از میانگین انسجام بالاتری نسبت به سایر گروه‌های تحصیلی برخوردارند متفاوت است. بررسی میزان وفاق اجتماعی در میان طوایف مختلف نیز مبین تفاوت معنی‌دار آن است. بالاترین میانگین وفاق در میان کسانی دیده شد که خود را بدون تعلق به طایفه‌ای دانسته‌اند. این امر نشان می‌دهد که وابستگی و تعلقات طایفه‌ای و خاص‌گرایانه، مانع وفاق اجتماعی عام در جامعه است و به طور خلاصه گذار از زندگی سنتی عشایری و روستایی به زندگی شهری همراه با افزایش سواد، دسترسی به رسانه‌های متنوع و بهبود سطح زندگی عاملی مؤثر بر افزایش وفاق در جامعه مورد بررسی است. اما دستیابی به وفاق عام نباید به معنای حذف مکانیکی هویت‌های فرعی و دیگر انواع وفاق باشد، بلکه به رسمیت شناختن تفاوت‌ها همراه با درک ضرورت‌های کلان و ملی باید مد نظر مدیران و برنامه‌ریزان توسعه استان و شهر قرار گیرد.

منابع

- آزادارمکی، تقی (1380) «وفاق اجتماعی از چند منظر»، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره 25-24: 20-17.
- ازکیاء، مصطفی (1364) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- ازکیاء، مصطفی و غلامرضا غفاری (1382) جامعه‌شناسی توسعه، تهران: مؤسسه کیهان.
- ازکیاء، مصطفی و غلامرضا غفاری (1380) «بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان»، فصلنامه اقتصادی کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره 36: 205-175.
- افروغ، عماد (1378) خرده‌فرهنگ‌ها و مشارکت اجتماعی، وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی [ویژه گردهم‌آیی وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی] با نظارت محمد عبداللهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: 156-135.
- بشیریه، حسین (1387) نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: نشر آینده پویان.
- توسلی، غلامعباس (1374) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- بیرو، آلن (1375) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- ترنر، جان‌اتان اچ (1378) مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه محمد عزیزی و محمد فولادی، تهران: مؤسسه امام خمینی.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (1376) نظریه‌های جامعه‌شناسی (2)، تهران: دانشگاه پیام نور.
- چلبی، مسعود (1370) «تأثیر سنت و مدرنیسم بر نظم اجتماعی»، تهران: فصلنامه سروش، شماره 58.
- چلبی، مسعود (1375) جامعه‌شناسی نظم، تهران: نی.
- چلبی، مسعود (1385) تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نی.

چلبی، مسعود (۱۳۷۸) «میزگرد وفاق اجتماعی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، زمستان ۱۳۷۸ و بهار ۱۳۷۹.

دورکیم، امیل (۱۳۶۹) درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: کتابسرای بابل.

روان‌بخش، محمدحسین (۱۳۸۶) «بررسی تطبیقی میزان انسجام اجتماعی اقشار اجتماعی شمال و جنوب شهر تبریز»، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، جلد ۲۲، شماره ۲: ۳۵-۴۶.

ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.

ریمون، آرون (۱۳۷۷) مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.

صداقت‌زادگان، شهناز (۱۳۷۷) عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی با تأکید بر جامعه‌پذیری و قشر اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

صداقت‌زادگان، شهناز (۱۳۷۸) عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی، وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، ویژه‌گردهمایی وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، با نظارت محمد عبداللهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: ۷۵-۱۰۵.

عبداللهی، محمد (بی‌تا) «بحران هویت جمعی: دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، مجموعه مقالات، دفتر اول.

عبداللهی، محمد (۱۳۸۵) جزوه درس نظریه‌های جامعه‌شناسی (۲) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

عرب، عباسعلی (۱۳۸۶) نقش وسایل ارتباط جمعی در انسجام و وفاق اجتماعی اقوام، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۸۰) «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و سوگیری عام‌گرایانه در تعاملات اجتماعی»، فصلنامه فرهنگ عمومی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگ عمومی، شماره ۱۸.

فاستر، جرج (۱۳۷۸) جوامع سنتی و تغییرات فنی، ترجمه سید مهدی ثریا، تهران: انتشارات کتاب فردا.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۱) انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲) چالش‌های توسعه سیاسی، چاپ دوم، تهران: نشر قومس.

کازنو، ژان (۱۳۷۲) جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: اطلاعات.

کوثری، مسعود (۱۳۷۵) بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان استان خراسان در فعالیت‌های عمرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

لرنر، دانیل (۱۳۸۳) گذر جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: دانشکده مطالعات راهبردی.

نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۷۳) مبانی جامعه‌شناسی، تهران: رایزن.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۰) «بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روان‌شناسی اجتماعی»، نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۱۸: ۴-۸.

موسوی، میرطاهر (۱۳۸۴) «تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران، رویکرد خرده‌فرهنگ - دهقانی راجرز»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۴: ۳۳۱-۳۶۱.

میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳) حکمرانی خوب، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

Bennett, Richard & Ralph Blaney (2002) "Social Consensus, Moral Intensity", *Journal of Economic Psychology*, 23 (4): 501-520.

Chan, Joseph & Elaine Chan (2003) "An Exploration of the State of Social Cohesion Cohesion: A distributional model". London: Institute of Education.

Green, Andy, John Preston and Ricardo Sabates (2003) "Education, Equity and Social

Habermas, J. (1990) *Moral Consciousness and Communicative Action*, trans. C.

Hamilton, Peter (1983) Talcott Parsons, London: Ellis Harwood limited and Tavistock Publication limited.
Hong Kong", Conference of Social Cohesion.
Howton, William (1991) Consensus Encyclopedia American Collier Incorporated, 7: 516.
Krueger, J. (1998) The Perception of Social Consensus, Advances in Experimental Social Psychology, 30: 163-240.
Krueger, Joachim and Russell W. Clement (1997) Estimates of Social Consensus by Majorities and Minorities: The Case for Social Projection, Personality and Social Psychology Review, 1 (4): 299-313.
Lenhardt and S. W. Nicholson, Cambridge: Cambridge University Press.

Scheff Thomas, J. (1967) Mental Illness and Social Processes. Harper and Row

